

بازشناسی تاریخی تحولات معماری در ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین محمود اهری

محمدباقر کبیر صابر^{۱*}، محمدرضا ابراهیمی^۲

^۱ استادیار دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری
^۲ مدرس گروه معماری آموزشکده فنی شهید چمران اهر

(تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۰۱)

چکیده

یکی از ساختارهای هویت بخش به سیمای کالبدی شهر اهر، مجموعه تاریخی شیخ شهاب‌الدین است؛ مجموعه‌ای از دوران شکوفایی عرفان و تصوف در منطقه آذربایجان در قرون هفتم تا یازدهم (ه.ق.). این مجموعه تاریخی علی‌رغم این که در زمره آثار فاخر معماری ایرانی قرار دارد، تاکنون از بررسی‌های کافی در زمینه شناخت تاریخی و شناخت کیفیات معماری بی‌نصیب بوده است. در نوشتار حاضر، که برآمده از پژوهشی مستقل به منظور تبیین تأثیر زمان بر نحوه تکوین ارسن این مجموعه است، به برخی از خلأهای علمی موجود در این زمینه و با طرح دو پرسش پاسخ داده شده است: الف) دلیل وجودی پیدایش خانقاه شیخ شهاب‌الدین در اهر چیست؟ ب) مراتب آفرینش و گسترش ساختاری این مجموعه متأثر از چه مؤلفه‌هایی است؟ از آنجایی که این پرسش‌ها، در بستر تاریخی مطرح شده‌اند، از روش توصیفی تاریخی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که هسته اولیه مجموعه شیخ شهاب‌الدین، متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانی است و با احداث فضاهایی ساده که برای برپایی خانقاه شیخ لازم بود، بنا نهاده شد و در همان دوره نیز توسعه‌ها پیدا کرده این مجموعه در عصر صفوی توسعه چشمگیری داشت. در این دوره به دلیل علایق سیاسی دربار صفوی، توجه وافری به این مجموعه شد و کیفیت و کمیت ساختاری آن تحویل اساسی یافت. ویژگی شاخص این مرحله از تحولات کالبدی این است که در قالب طرحی جامع بدان تکریم شده و تمامی ساختارهای پراکنده قبلی در هیأت منظومه معماری واحد به نظم آورده شد. نکته مهم در فرآیند تکوین مجموعه شیخ شهاب‌الدین آن است که علی‌رغم آفرینش تدریجی، یکپارچگی تحسین برانگیزی در روابط معماری مجموعه مشاهده می‌شود؛ موضوعی که خود جلوه‌ای ممتاز از خرد و انعطاف‌پذیری معماران ایرانی است.

واژگان کلیدی: شیخ شهاب‌الدین محمود اهری، معماری خانقاهی، مجموعه معماری، تکوین کالبدی.

این مقطع از عمر خویش جذب عالم عرفان شد و حیات دینی صوفیانه را برگزید و وجه همت خویش را کسب معارف باطنی قرار داد. ورود به وادی طریقت، او را نیازمند راهبری راه‌شناس ساخت؛ نیازی که مقدمه‌های بر هجرت وی از زادگاهش شد. در آن روزگار «مرکز تجمع و فعالیت این مشایخ»، شهر تبریز بود که محیط علمی و عرفانی، و مدارس و خانقاه‌ها و زاویه‌ها و تکیه‌های متعدد آن رونق و اعتبار فراوان داشت» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۲). او پس از ترک اهر، ابتدا در تبریز و در محله سرخاب مأوا گزید و پس از مدتی به منطقه سجاس از توابع زنجان رفت و شیخ رکن‌الدین سجاسی را به عنوان پیر طریقت برگزید (موحد، ۱۳۸۱: ۱۰۹). وی در خانقاه سجاس به چنان منزلتی دست یافت که مفتخر به مرتبت قطب صوفیانه شد^۱ و به دستور استاد برای ارشاد خلق به زادگاهش اهر بازگشت و خانقاهی در آنجا بر پا نمود؛ خانقاهی که صحن آن پس از چندین سال، مدفن و مزار وی شد (ایمانی، ۱۳۸۲: ۸۰). روزگاری که شیخ شهاب‌الدین اهری در آن می‌زیست و به طور واقع‌تر و وسیع‌تر نیمه دوم قرن ششم تا اوایل قرن هشتم هـ.ق. مقارن با دوران شکوفایی تصوف و اوج آن در منطقه آذربایجان بود و «در این دوره اهر مکتب عرفانی تبریز با ظهور چهره‌هایی مواجه می‌شویم که همه از آشنایان عالم معنی و سلسله جنبانان عشق و معرفت‌اند» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۲). شیخ شهاب‌الدین ضمن آن که خود چهره‌ای ممتاز و اثرگذار در این عرصه عرفانی بود، عرفای زیادی را نیز تربیت نمود؛ از مریدان و نیز متعلمان مستقیم و غیرمستقیم وی می‌توان به شیخ جمال‌الدین تبریزی، شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی اشاره کرد، مشایخی که هر یک منزلتی بس رفیع در عرفان ایرانی دارند^۲.

۲. مقدمه‌ای بر پیشینه مجموعه

آن گونه که مشهور است از لحاظ رونق کارکردی، خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری در قرن هفتم هـ.ق. یکی از پایگاه‌های عمده تصوف در آذربایجان بود^۳. این اهمیت، برآمده از دو دلیل عمده بود؛ نخست، خود شیخ و تأثیر وجودی او در زعامت خانقاه و دوم، پیوندهای فکری و علقه‌های معنوی محیط خانقاه شیخ با شهر تبریز؛ شهری که در آن دوران برخوردار از سنت‌های عرفانی ریشه‌دار بود و به سبب تجمع مشایخ، یکی از مهم‌ترین محیط‌های عرفانی ایران محسوب می‌شد (موحد، ۱۳۸۱: ۴۴). هم‌چنین برای شناخت تاریخ مجموعه شیخ شهاب‌الدین باید توجه نمود که این مجموعه خانقاهی در روزگاری پدید آمد که تصوف، مبارزه برای احراز حق حیات در جامعه ایرانی را به ثمر رسانیده و «طریقت» توانسته بود در امتداد «شریعت» وجاهت‌هایی را هر چند نسبی در جامعه کسب نماید^۴.

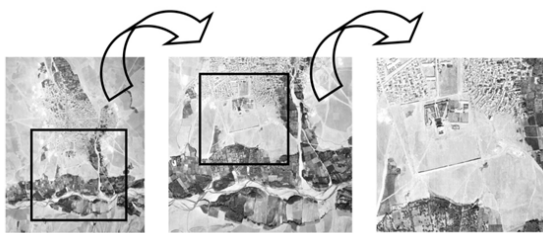
۱-۲. وجه تسمیه

نکته مهمی که در این مقاله باید بدان توجه شود، وجه تسمیه این مجموعه است، زیرا واژه «بقعه» که در غالب متون معماری معاصر برای معرفی این مجموعه به کار رفته، نارسا است. از نظر گونه‌شناسی معماری، این مجموعه در ردیف بناهای «خانقاهی

مجموعه تاریخی شیخ شهاب‌الدین محمود اهری در "بلده اهر از بلاد آذربایجان از توابع مدینه تبریز" واقع شده است^۱. این مجموعه معماری متشکل از چند بنا با عملکردهای متنوع، مانند مسجد، خانقاه، آرامگاه و غرفه‌های وابسته است که به طرز هنرمندانهای در کنار هم جمع آمده‌اند. این مجموعه به دلیل برخی ویژگی‌های ممتاز معمارانه، در شمار آثار قابل تحسین شیوه "آذری" و "اصفهانسی" قرار دارد. به دلیل چنین ویژگی‌هایی این مجموعه در سال ۱۳۱۱ هـ.ش. و به شماره ۱۷۹ در زمره فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت^۲. هم‌چنین عمارت خانقاه این مجموعه در سال ۱۳۷۴ هـ.ش. با در نظر گرفتن پیشینه و جایگاه تاریخی آن در مکتب عرفانی تبریز، احیا و به موزه عرفان و ادب تغییر کاربری یافت. با این حال، به دلیل مطالعات ناکافی، یکی از آثار کمتر شناخته شده معماری ایرانی است. باید اذعان نمود نه تنها این مجموعه نفیس، بلکه بسیاری از آثار معماری تاریخی منطقه شمال غرب کشور، تاکنون در حوزه معماری مطالعه و بررسی کافی نشده‌اند. بر مدار این سخن و به منظور مواجهه با این خلأ علمی، نوشتار حاضر قصد دارد در قلمروی محدود و معطوف به تبیین نحوه آفرینش و گسترش کالبدی ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری بحث مستدلی را ارائه نماید؛ به عبارت دقیق‌تر، هدف این نوشتار ابهام‌زدایی از نحوه پیدایی و پویایی ساختاری این مجموعه طی دوره‌های ایلخانی تا قاجاری است. انتخاب این بازه زمانی بدان دلیل است که ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین، آفرینش معماری یکباره نداشت و به تدریج و متأثر از تحولات اعتقادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی پدید آمده است. پرسش‌های اصلی این نوشتار عبارتند از: الف) دلیل وجودی پیدایش خانقاه شیخ شهاب‌الدین در اهر چیست؟ ب) مراتب آفرینش و گسترش ساختاری این مجموعه، متأثر از چه مؤلفه‌هایی است؟ بر این مبنا مسأله پژوهش در بستری تاریخی مطرح است و از این رو، برای دست‌یابی به پاسخ‌های مناسب، روش توصیفی تاریخی انتخاب شده است.

۱. مروری بر زندگانی شیخ شهاب‌الدین محمود اهری

بنا به اقوال تاریخی، عارف نامی محمود اهری تبریزی ملقب به شیخ شهاب‌الدین، در نیمه دوم قرن ششم هـ.ق. در بلده اهر از توابع تبریز متولد شد و پس از زندگی پربار معنوی، در اواسط قرن هفتم هـ.ق. چشم از جهان فرو بست^۳. شیخ شهاب‌الدین از مشاهیر مشایخ تصوف در قرن هفتم و از بزرگان طریقه شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی است، اما جای شگفتی است که در کتب تذکره و تراجم کمتر ذکری از احوال وی یافت می‌شود. از این رو، از زندگی و آثار او اطلاع کاملی در دست نیست^۴. شاید دلیل این نقصان، میل به گمنامی و مهجوری باشد که بسیاری از صوفیان، مقید بدان بوده‌اند. با وجود این مشهور است که وی تحصیل علم را در زادگاه خویش آغاز کرد و تا حدود بیست سالگی در مکتب درس علمای همان منطقه تلمذ نمود (وفایی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). او در



تصویر شماره ۲: عکس هوایی شهر اهر در دهه چهل شمسی؛ نمایش موقعیت مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در حومه جنوبی شهر اهر
مأخذ: نگارندگان

۳-۲. گسترش‌های کالبدی

۳-۲-۱. حصار سنگی آرامگاه (مرحله دوم ایلخانی)
وفات شیخ شهاب‌الدین اهری در نیمه دوم قرن هفتم ه.ق. رخ داد. بعد از درگذشت وی، بر روال یکی از سنت‌های تصوف ایرانی که معمولاً مدفن مشایخ در جوار مدرّس و خانقاه‌شان انتخاب می‌شد^{۱۲}، مکان دفن شیخ شهاب‌الدین نیز از این قاعده مستثنا نبود و پیکر او را در فضای روباز محوطه مقابل خانقاهش به خاک سپردند (تصویر شماره ۳)



تصویر شماره ۳: مدفن شیخ شهاب‌الدین در صحن مجموعه
مأخذ: آرشیو اداره میراث فرهنگی اهر

به نظر می‌رسد دلیل نساختن بارگاه بر روی قبر شیخ، جایز ندانستن بنا بر قبور باشد که برخی از اهل تسنن، بدان معتقدند. با این حال، در همان روزگار ایلخانی، نظام معماری فاخر و موقری با استفاده از حصار سنگی مشبک (معجر سنگی)، پیرامون قبر وی ترتیب داده شد که هدف از اجرای آن، تکریم مقام عرفانی شیخ و تشخیص بخشیدن به مزار وی بود (تصاویر شماره ۴ و ۵). صاحب کتاب منظرالاولیا در وصف این حصار سنگی می‌نویسد: «چون قبر آن جناب در صحن واقع شده در دور مرقدش به قرار سی ذرع پنجره سنگی مانند قرار داده و آن پنجره را چنان تراش و حجاری نموده‌اند که عقل حیران است» (محمدکاظم بن محمد، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

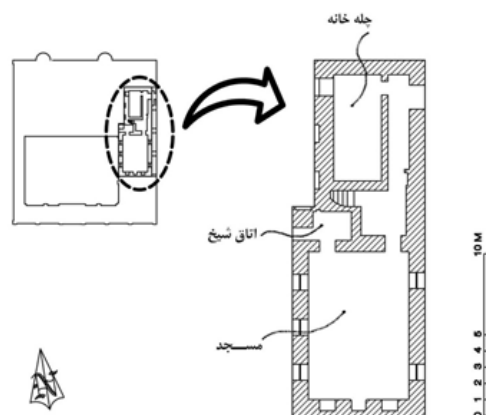
وسیع" قرار دارد. بقعه و دیگر بناهای مجموعه، به‌طور مشترک یک مجموعه خانقاهی را ایجاد نموده‌اند که مرکب از عناصری هم‌چون مدرّس و عبادتگاه خاص شیخ، مسجد، آرامگاه، جمع‌خانه، حجره‌های مجزا برای خلوت و عبادت و سایر بخش‌های مرتبط است. پس عملکرد این مجموعه فقط محدود به آرامگاه آن نیست.

۳. مراتب تکوین کالبدی مجموعه

۳-۱. هسته اولیه (مرحله نخست ایلخانی)

تعیین دقیق زمان آفرینش‌های معماری در مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، یکی از پیچیدگی‌های مطالعه حاضر است. این دشواری از آن‌جا ناشی می‌شود که اسناد و مدارک تاریخی و نیز وضع ساختاری مجموعه، در حصول چنین شناختی به حد کافی مؤثر نیستند. آنچه مسلم است این است که شیخ برای بسط و نشر آرای عرفانی خویش، در این مکان، خانقاهی را در اختیار داشت که می‌توان زمان احداث آن را به قرن هفتم ه.ق. که روزگار حیات معنوی شیخ بود، منتسب دانست.

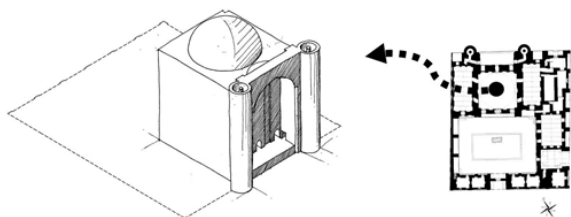
در حال حاضر، درک کیفیت و کمیت معماری خانقاه اولیه شیخ، از طریق بررسی‌های کالبدی و مشاهده عینی در هسته کهن مجموعه، تا حدی امکان‌پذیر است. نتیجه بررسی‌های به عمل آمده در این خصوص، در تصویر شماره ۱ آمده شده است.



تصویر شماره ۱: موقعیت خانقاه شیخ شهاب‌الدین نسبت به پلان فعلی مجموعه، مأخذ: نگارندگان

از نظر موقعیت استقرار، خانقاه شیخ به دور از هیاهوی بلده اهر و در حومه جنوبی آن و به عبارتی در ریز ۱۱ بلده اهر و در فاصله‌ای اندک از راه ارتباطی تبریز قرار داشت. این موقعیت استقرار تا چند دهه پیش، که بافت سنتی شهر اهر گسترش چندانی نیافته بود، کاملاً مشهود بود (تصویر شماره ۲). استاد محمدکریم پیرنیا (۱۳۷۶: ۱۳۰۱ ه.ش) این گونه خانقاه‌ها را "رباط" نامید و در شرح آن‌ها آورده است: «خانقاه‌ها را گاه در بیرون از شهر در جاهای دنج و آرام و خوش آب و هوا می‌ساخته‌اند. به این خانقاه‌ها رباط می‌گفتند. [...] به راستی نام رباط براننده آن‌ها بوده است. آن‌ها مانند کاروانسرای بوده‌اند که بر سر راه‌ها ساخته می‌شد و با همه این‌ها ساختن ساده و بی‌پیرایه بوده‌اند» (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۶۶).

حضرت شیخ صدرالدین اردبیلی را ملاقات نمود و بعضی خوارق و کرامات از آن عالی صفات مشاهده نمود، [عرض کرد حاجتی که داری از من بخواه که برآورده است. بعد از مبالغه بسیار، شیخ استدعای بنای قبه‌ای در سر قبر شیخ شهاب‌الدین نمود. امیر تیمور آدم فرستاد و چنان که شیخ صدرالدین فرموده بود بنا کرد [.....]» (محمدکاظم بن محمد، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۴۲). مؤلف این کتاب که در دوره قاجاریه می‌زیست، سند مشخصی برای این نقل قول ارائه نکرده است؛ ولی اگر این قول تاریخی صحت داشته باشد، زمان ساخت گنبدخانه که تنها بنای قبه‌دار در مجموعه است، به دوره تیموریان برمی‌گردد.



تصویر شماره ۶: مرحله احداث گنبدخانه، مأخذ: نگارندگان

حال فارغ از بحث‌های کرونولوژیکی، باید اذعان نمود که آفرینش چنین ساختارهایی در سال‌های پس از وفات شیخ شهاب‌الدین، بیانگر افزایش اهمیت مجموعه در ادوار بعدی است. به‌طور کلی باید توجه داشت این نوع توسعه کالبدی در مجموعه‌های خانقاهی، قاعده‌ای است که مصادیق زیادی از آن در ایران وجود دارد؛ مانند مجموعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان و مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل. «در واقع آرامگاه پیر [شیخ صوفی] به صورت یک هسته مرکزی و کانون فعالیت، عاملی بود که ضرورتاً به اقتضای موقع و محل، در پیرامون آن اتاق‌ها و حجره‌ها و بناهای دیگر ساخته شده و به تدریج وضع آن تغییر می‌کرد و گسترش می‌یافت» (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۳۵). این بدان دلیل بود که طی زمان و با تثبیت موقعیت اجتماعی آن طریقت و ازدیاد صوفیان مرتبط با آن، مجموعه خانقاهی آن‌ها نیز رونق می‌یافت؛ تا آن‌جا که گاه در کنار بناهای ساده اولیه، بناهای باشکوهی برای تکریم یاد مشایخ عزت‌نشین بر پا می‌شد.

بر این اساس و از دیدگاه نشانه‌شناسی معماری به نظر می‌رسد یکی از دلایل احداث گنبدخانه مورد بحث در مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، ایجاد نشانه‌ای یادمانی در مقیاس دید منطقه‌ای بوده باشد؛ نشانه‌ای به منظور یادآوری حرمت مکان و تذکر مقام عرفانی شیخ به ناظران. نکته جالب توجه آن که در حال حاضر هم چنان این گنبدخانه، مرتفع‌ترین بخش از کلیت ساختاری مجموعه محسوب می‌شود، هر چند که دو مناره طرفین آن آسیب دیده و تا حدی از بین رفته‌اند.

۳-۲-۳. طرح جامع دوره صفوی

در دوران صفوی، پادشاهان این سلسله و به خصوص شاه عباس اول برای مزار شیخ شهاب‌الدین احترام خاصی قائل بودند و به رونق و آبادانی آن نظر داشتند. دلیل این ارادت تا حدی طبیعی بود، زیرا جداعلای آنان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در طریقت شیخ شهاب‌الدین



تصاویر شماره ۴ و ۵: حصار سنگی (معجز سنگی مشبک) پیرامون مدفن شیخ، مأخذ: نگارندگان

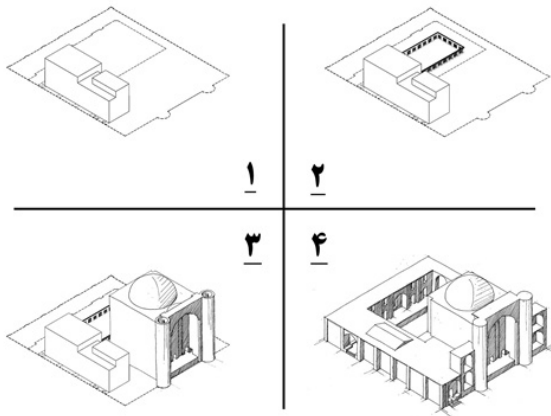
تاریخ دقیق احداث و الحاق این حصار سنگی مشخص نیست؛ ولی سبک هنری و نحوه حجاری اجزای آن، نزدیکی یادی با دیگر آثار سنگی دوره ایلخانی در منطقه آذربایجان دارد و متناظر با برخی آثار سنگی این دوره هم چون مسجد بادامیار، مصلاهی دهخوارقان و مسجد جامع تسوج است. باید توجه داشت که معجز سنگی این مجموعه، نمونه مشابه دیگری در منطقه آذربایجان ندارد.

نکته قابل توجه درباره این معجز سنگی، ناتمام ماندن حجاری برخی از قسمت‌های آن به خصوص در قسمت سردر ورودی حصار است. درباره علت این امر دو مسأله به ذهن متبادر می‌شود: نخست، نبود فرصت یا سرمایه کافی برای تکمیل پروژه و دوم، احتمال می‌رود متن کتیبه سردر حصار در دوره‌ای متأخر و متأثر از تغییر مذهب رسمی کشور از تسنن به تشیع، مورد پذیرش واقع نشده و تغییراتی در آن صورت پذیرفته و قطعه مذکور عوض شده باشد. به هر حال، اثبات این احتمال‌ها نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر باستان‌شناسی است.

۳-۲-۳. احداث گنبدخانه

گنبدخانه بزرگ مجموعه که در اصطلاح محلی قوشخانه نامیده می‌شود، در خانقاه اولیه شیخ نبود و بنایی است که در توسعه بعدی به مجموعه الحاق شده است (تصویر شماره ۶). اظهار نظر قطعی درباره زمان آفرینش این بخش از مجموعه به دلیل فقدان مستندات کافی، قدری مشکل است. مؤلف کتاب *منظرالاولیا* با شرح رویدادی تاریخی، ساخت آن را به امیر تیمور گورکانی نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «مشهور است که چون امیر تیمور گورکانی [،

تلی از خاک ریخته از روی همان تل نهری برداشته آب به آن پالیز جاری و ساری کردند» (محمد کاظم بن محمد، ۱۳۸۷: ۲۴۳).



تصویر شماره ۷: بیان شماتیک از روند تحولات کالبدی مجموعه شهاب الدین اهری، مأخذ: نگارندگان
مرحله (۱) موقعیت خانقاهی که در زمان حیات شیخ از آن استفاده می شده است (مرحله نخست ایلخانی)، مرحله (۲) مزار شیخ در فضای باز مقابل خانقاه و احداث معجر سنگی پیرامون آن (مرحله دوم ایلخانی)، مرحله (۳) احداث گنبدخانه بزرگ (قوشخانه)؛ تأکید بر اهمیت مجموعه (دوره تیموری)، مرحله (۴) طرح جامع ساماندهی (دوره صفویه)

علی‌رغم چنین اقداماتی که به نیت عمران و رونق مجموعه در اوایل دوره قاجار به ثمر رسید، متأسفانه پس از مدتی توجه چندانی بدان نشد؛ به نحوی که در همان منبع تاریخی می‌نویسد: «اما صد حیف که [...] آن بقعه مبارک روز به روز رو به خرابی و انهدام نهاده حتی اشجار باغ را بریده فروختند. از سال هزار و دویست و نود و هفت (۱۲۹۷) [۱۸۸۰ (م.)] الی امسال که هزار و سیصد و چهار (۱۳۰۴) [۱۸۸۷ (م.)] است هفت سال است که هر سال دو دفعه سفر اهر کرده‌ام، الان به جز یک درخت چنار و یک درخت دیگر برپا نیست» (پیشین). برای درک وضعیت محوطه اطراف مجموعه پس از قطع درختان و از بین رفتن فضای سبز آن، کافی است به تصاویری که در اواخر دوره قاجار از مجموعه تهیه شده‌اند (تصاویر شماره ۸ تا ۱۰) به دقت توجه شود.



تصویر شماره ۸: مجموعه شهاب الدین اهری، دوره قاجار
مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان

اهری، مرتبه شاگردی و مریدی به جای آورده بود. درباره حضور چندین باره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری، اقوال زیادی در دست است؛ از جمله اشاره‌ای که ولی‌قلی شاملو در کتاب قصص الخاقانی بدان نموده است: «شیخ صفی‌الدین اردبیلی گاه در بقعه شیخ شهاب‌الدین به سر می‌برده است» (شاملو، ۱۳۷۱: ۲۴).

به استناد کتاب *عالم‌آرای عباسی*، شاه عباس اول صفوی در سال نوزدهم، بیست و یکم و نیز سی و یکم سلطنت خود، به اهر مسافرت کرد و در آن‌جا به زیارت تربت شیخ شهاب‌الدین رفت. شاه عباس در سال ۱۰۲۶ هـ.ق. و به هنگام مسافرت به آذربایجان و منطقه ارسباران، در این مجموعه که موسوم به باغ شیخ بود، سکنای گزید و دستور به عمران و توسعه آن داد (استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۱۰-۲۱۱). هم‌چنین مؤلف کتاب *عالم‌آرای عباسی*، در ردیف «آثار خیر و انشاء و احداث عمارات» که به اراده شاه عباس اول تحقق یافته بودند، چنین اشاره می‌نماید: «ترتیب عمارات عالیه تربت شریف حضرت سلطان‌الاولیاء و المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری قدس سرهما و باغ بهشت‌آسای آن روضه فیض‌انتما» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۱۱۰).

به‌طور خلاصه و در ارزیابی ساده‌ای از طرز عمل معماران صفوی، در مجموعه شهاب‌الدین اهری، می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها مصمم بودند تا با ارائه طرحی جامع، ضمن سامان‌دهی به محیط معماری مجموعه، ابنیه پراکنده قبلی را نیز تحت نظام معماری واحد، نظم بخشند. بنابراین معماران با توجه توأمان به دو مقوله سازه و معماری، شرایطی را در مجموعه پدید آورده‌اند که هنجار معماری آن، در کلیتی یکپارچه احساس شود و دوره‌های گوناگون ساخت در بنا مشهود نباشد و روابط معماری به نحوی تعریف شده بود که با کاربست روابط هندسی، تلفیق بخش‌های قدیم و جدید، به طرز منطقی محقق شود. بر این اساس آن‌چه اینک از انسجام فضایی مجموعه قابل ادراک است، عمدتاً متأثر از اراده و هنرنمایی معماران دوره صفوی است. در تصویر شماره ۷ برای بیان شفاف این سخن، تحولات کالبدی مجموعه، از مرحله تکوین اولیه تا پایان دوره صفویه، با ترسیمی ساده بیان شده است (تصویر شماره ۷).

۳-۲-۴. طرح محوطه‌سازی دوره قاجار

بر اساس متون تاریخی، در اوایل دوره قاجاریه و به خصوص در دوره حکمرانی عباس میرزا بر منطقه آذربایجان، به عمران بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری توجه شد. هر چند تحولات کالبدی مجموعه در دوره قاجار چندان چشمگیر نیست و به خصوص آنکه در اواخر قاجار مجدداً مورد غفلت واقع شد، ولی برای شناخت کافی موضوع، به آن اشاره می‌شود.

صاحب کتاب *منظرالاولیاء* که خود در این دوره تاریخی می‌زیست، می‌نویسد: «در زمان سلطنت خاقان خلد آشیان فتحعلی‌شاه طیب‌الله تربته چون نایب‌السلطنه مرحوم حکمران آذربایجان شد آن بزرگوار فرزند سعادت‌مند خود محمد میرزا که عبارت از محمدشاه مرحوم باشد را حاکم قراجه‌داغ نمود. آن جناب فرمودند که دوره روضه شیخ را به قرار چهار پنج خروار زمین دیوار کشیده مشجر نموده باغ کردند و مقدار پانصد قدم راه به ارتفاع بیست ذرع

دهند. اما این اظهار نظر دقیق نیست؛ زیرا بررسی‌های عینی در خود محیط تاریخی اثر، شواهد زیادی را مبنی بر تعلق بخش‌هایی از آن به دوره‌های قبل نشان می‌دهد؛ مانند معجر مشبک سنگی در گرداگرد قبر شیخ یا گنبدخانه بزرگ که همگی آن‌ها بر پایه اصول و فنون معماری عصر ایلخانی یا تیموری ساخته شده‌اند.

اسماعیل دیباج در کتاب *راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی* آورده است که «این بنا (مجموعه شیخ شهاب‌الدین) با اجر ساخته شده و وضعیت آن با طرز ساختمان ایوان بلند شمالی و مقرنس‌های گچی قسمت شرقی درون مسجد و باقی‌مانده کاشیکاری و دیواره مشبک محوطه قبر [،] دلیل بر این است که از بناهای اواسط دوره صفوی است (تصویر شماره ۱۲). در کلیه ساختمان این بنا کتیبه و تاریخی دیده نمی‌شود که به زمان قطعی یا بانی آن دلالت کند و فقط کتیبه‌ای به خط رقاع بالای در ورود از دالان شرقی موجود است که روی سنگ نقر شده و این بنا را به شیخ شهاب‌الدین عارف مشهور نسبت می‌دهد» (دیباج، ۱۳۳۴: ۴۵). همان‌گونه که در متن هویداست، نویسنده با این که قدمت مجموعه را به اواسط دوره صفوی نسبت داده، اما سندی برای اثبات ادعای خود، ارائه نداده است. «دیباج» در همان متن آورده است که «در کلیه ساختمان این بنا کتیبه و تاریخی دیده نمی‌شود که به زمان قطعی یا بانی آن دلالت کند» (پیشین: ۴۶). بنابراین وی در غیاب کتیبه یا سند محکمی از این نوع که دلالت صریح بر تاریخ آفرینش مجموعه داشته باشد، به ناچار بر پایه حدس و تخمین درباره تاریخچه آن اظهار نظر نموده است.

همچنین محمدجواد مشکور در کتاب *نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن* با نقل عین مطالب مرحوم دیباج، تاریخ مجموعه را منتسب به اواسط دوران صفوی دانسته است (مشکور، ۱۳۴۹: ۳۸۶). عبدالعلی کارنگ نیز با ارجاع به همین منبع، در مقاله‌ای تحت عنوان «بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری»، نمونه‌ای از بناهای عصر صفوی در مجله *یغما*، نظر به تعلق این بنا به دوره صفوی دارد (کارنگ، ۱۳۵۳: ۷۶). لیکن مسأله اساسی در نوشته‌های مشکور و کارنگ نیز همان عدم ارائه اسناد و مدارک برای اثبات چنین ادعایی است.

جای شگفت است اظهار نظر اسماعیل دیباج درباره قدمت این مجموعه، عیناً مورد استناد مشکور و کارنگ نیز قرار گرفته است. به نظر می‌رسد علت اساسی چنین تشخیص اشتباهی، عدم مطالعه عینی اثر و بررسی دقیق جزئیات آن باشد. بررسی کالبدی مجموعه از طریق مطالعه میدانی آن، حقایق مستور زیادی را آشکار می‌سازد. در اینجا باید اذعان نمود که اسماعیل دیباج، محمدجواد مشکور و عبدالعلی کارنگ محققانی بودند که هر یک، شأن والایی در حوزه مطالعات آثار باستانی منطقه آذربایجان داشته‌اند و در ردیف پژوهشگران پیشکسوتی به شمار می‌آیند که در دهه‌های آغازین قرن جاری در این زمینه تخصصی آثار ارزش‌مندی منتشر کرده‌اند. اما با وجود این، آن‌ها در تعیین پیشینه کالبدی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری و انتساب آن به دوره صفوی دچار اشتباه شده‌اند.



تصویر شماره ۹: مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، دوره قاجار
مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان



تصویر شماره ۱۰: مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، دوره قاجار
مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان

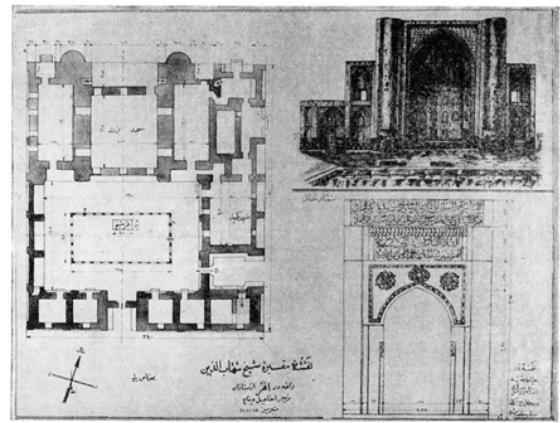


تصویر شماره ۱۱: مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، دوره پهلوی
مأخذ: آرشیو اداره میراث فرهنگی اهر

۴. کنکاشی در آرای مورخان معاصر

فراوانی نسبی اسناد و اشارات تاریخی درباره اقدامات شاه عباس اول در رونق بخشیدن به مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، عاملی است که موجب شده برخی از نویسندگان معاصر، مانند مرحوم اسماعیل دیباج، مرحوم محمدجواد مشکور و مرحوم عبدالعلی کارنگ به اشتباه، قدمت این مجموعه را به دوره صفوی نسبت

- مستتر فیه در مورخه هجدهم تیرماه هزار و سیصد و یازده تحت عنوان «مقبره شیخ شهاب‌الدین» جزو آثار ملی ایران تحت شماره ۱۷۹ به ثبت رسیده است. سند ثبتی این بنا مانند سایر بناهایی که در آن سال‌ها در زمره آثار ملی قرار می‌گرفتند، با امضای علی‌اصغر حکمت وزیر معارف و آندره گدار مدیر کل عتیقات انجام یافته است. ر.ک. پرونده ثبتی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی.
۳. محمد کاظم بن محمد تبریزی در کتاب *منظرالاولیاء* بیان متفاوتی از این قول مشهور درباره زادگاه شیخ ارائه می‌کند و معتقد است «[.....] چون محل ارشاد و بلکه اکثر عمرش در اهر بوده از آن جهت به اهری مشهور شده و الا در تبریزی بودنش هیچ شبهه‌ای نیست» (محمد کاظم بن محمد، ۱۳۸۷: ۲۴۲). هم‌چنین برای شناخت تحلیلی از تاریخ تولد و وفات شیخ شهاب‌الدین، ر.ک. احوال و آثار اوحدالدین کرمانی اثر دکتر محمد وفایی، ص ۱۲۹.
۴. «از زیست‌نامه وی [شیخ شهاب‌الدین اهری]، آگاهی مفصل و جامع در دست نیست و هر چه درباره او نوشته‌اند، برگرفته از اطلاعات پراکنده و گسیخته‌ای است که از وی در سرچشمه‌های تصوف و تاریخ موجود است» (ایمانی، ۱۳۸۲: ۸۰). مانند نظر مؤلف کتاب *روضات‌الجنان* که نسب شیخ شهاب‌الدین اهری را متعلق به خاندان عتیقی تبریزی می‌داند (ابن کربلایی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۶۰۴)؛ یا مرحوم «سید جمال ترابی طباطبایی» که در کتاب آثار باستانی آذربایجان، شیخ شهاب‌الدین اهری را از اولاد شیخ شهاب‌الدین سهروردی معرفی کرده، البته وی نیز از نسب‌نامه مذکور در کتاب *روضات‌الجنان* استفاده نموده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۰۰: ج ۲: ۳۷۹).
۵. درباره این نیاز که مرحله‌ای از مراحل سلوک صوفیانه است، دکتر سید حسین نصر می‌نویسد: «هیچ سلوک معنوی معتبری بدون دست‌گیری مرشد و راهنما تحقق نمی‌پذیرد و یقیناً تصوف نیز از این قاعده عام مستثنی نیست» (نصر، ۱۳۸۲: ۹۹).
۶. رکن‌الدین ابوالغنائم محمد سجاسی از کبار مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ه.ق. بود که تعدادی از مشایخ مشهور صوفیه در آن روزگار مانند شمس‌الدین تبریزی، اوحدالدین کرمانی، اصیل‌الدین محمد شیرازی و شهاب‌الدین محمود اهری از تربیت‌یافتگان و مریدان وی بوده‌اند (وفایی، ۱۳۷۵: ۱۰۴ و ۱۱۷).
۷. «محمدامین حشری تبریزی» صاحب کتاب *روضه‌اطهار* در این خصوص می‌نویسد: «شیخ شهاب‌الدین به فرموده شیخ رکن‌الدین در اهر ساکن گشته تا آخر عمر به ارشاد و هدایت عبادالله قیام می‌نمود» (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۱۴۶).
۸. ر.ک: کتاب *روضات‌الجنان و جنات‌الجنان*، صص ۲۵۱-۲۵۰، ذیل سلسله شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۹. برای مطالعه‌ی بیشتر در این خصوص، به مقاله «تصوف در



تصویر شماره ۱۲: نقشه مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری
مأخذ: دیباچ، ۱۳۲۴

نتیجه‌گیری

بارشد و رونق مکتب عرفانی تبریز در دوره ایلخانی، تجلیات متنوعی از این جریان فکری در حوزه‌های مختلف معنوی و مادی به عرصه ظهور رسید. طبیعتاً در روند چنین فرآیندی، بلاد آذربایجان بیش از سایر مناطق ایران مستعد اثرپذیری بودند که بلده اهر در شرق تبریز گواه روشن بر این ادعاست. در آن ایام حضور یکی از مشایخ برجسته مکتب عرفانی تبریز در اهر، شیخ شهاب‌الدین محمود، اهمیت ویژه‌ای به آن بلده بخشید، زیرا وی پس از کسب مرتبت قطب، اهر را به یکی از کانون‌های ارشاد صوفیانه تبدیل کرد. در همان ایام، هسته مرکزی مجموعه خانقاهی محقر که بعدها اعتبار و شهرت فراگیری یافت در اهر بنا نهاده شد که در محیط معنوی آن، شاگردان و مریدان شیخ، اسرار طریقت را از وی می‌آموختند. پس از وفات شیخ شهاب‌الدین محمود و دفن پیکر وی در محوطه خانقاهش، به تدریج بناهای دیگری نیز به مجموعه افزوده شد. بی‌تردید اثرگذارترین مرحله توسعه در مجتمع خانقاهی مورد بحث، به اقدامات عمرانی دوره صفویه مربوط می‌شود که ریشه‌ها و دلایل آن را باید در ارادت خاص پادشاهان صفوی نسبت به شیخ شهاب‌الدین محمود جستجو نمود، زیرا جد پادشاهان صفوی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در شمار مشایخی قرار دارد که از تربیت‌یافتگان طریقت شیخ شهاب‌الدین محمود اهری بودند. بر مدار آن چه گفته شد، باید دانست که کلیت ساختاری مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری آفرینش یک‌باره نداشته و موجودیت آن، متأثر از تصمیم‌ها و اقدام‌های عمرانی دوره‌های مختلف است. به تعبیری می‌توان گفت که سیمای معماری این مجموعه تاریخی در هر یک از مراحل تکوینی آن، تجسد و تجسمی از موضع‌گیری فرهنگی زمان نسبت به آن بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در *وقفنامه* ربع رشیدی که از متون متعلق به قرن هفتم ه.ق. است (روزگار حیات شیخ شهاب‌الدین اهری)، شهر اهر با این عناوین خطاب شده است.
۲. این مجموعه تاریخی توسط وزارت معارف و اوقاف و صنایع



۱۶. موحّد، صمد (۱۳۸۱)، *صفی الدّین اردبیلی؛ چهره اصیل تصوّف آذربایجان*، انتشارات طرح نو، تهران.

۱۷. موحّد، محمدعلی (۱۳۷۵)، *شمس تبریزی*، انتشارات طرح نو، تهران.

۱۸. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، *آموزه‌های صوفیان؛ از دیروز تا امروز*، ترجمه حسین حیدری و محمد هادی امینی، انتشارات قصیده سرا، تهران.

۱۹. وفايي، محمد (۱۳۷۵)، *احوال و آثار اوحدالدّین کرمانی*، انتشارات ما، تهران.

۲۰. ولی قلی بن داد شاملو (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، با تصحیح و پاورقی دکتر سید حسن سادات ناصری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، تهران.

دوره‌ی ایلخانان» اثر شادروان دکتر منوچهر مرتضوی مراجعه شود.

۱۰. برای کسب آگاهی و اخذ مستندات در این خصوص، به مقاله «تصوّف در دوره ایلخانان» اثر شادروان دکتر منوچهر مرتضوی که دلایل کثرت صوفیان و کثرت خانقاه‌ها در عصر ایلخانی (به خصوص منطقه آذربایجان) را بررسی و تحلیل نموده، رجوع شود.

۱۱. ربض: حومه شهر در ایران قدیم را اصطلاحاً ربض می‌گفتند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حبیبی، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، ۱۳۷۵.

۱۲. مانند مجموعه پیربکران که خانقاه و آرامگاه صوفی نامی، محمد بن بکران، یا مجموعه شاه نعمت الله ولی یا مجموعه تربت جام که مرکب از خانقاه و آرامگاه و فضاهای دیگر هستند.

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن کربلابی، حافظ حسین (۱۳۸۳)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح محمدامین سلطان‌القرایی، انتشارات ستوده، تبریز.
۲. ایمانی، بهروز (۱۳۸۲)، «برگی از شرح حال شیخ شهاب‌الدین محمود اهری»، *پیام بهارستان*، شماره سی‌ام.
۳. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴)، *سبک شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش، تهران.
۴. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۷)، *معماری ایرانی*، تألیف و تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش، تهران.
۵. ترابی طباطبایی، سیدجمال (۱۳۸۴)، *آثار باستانی اهر (ارسباران)*، ناشر مؤلف، تبریز.
۶. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. حسینی استرآبادی، سیدحسن (۱۳۶۴)، *از شیخ صفی تا شاه صفوی (از تاریخ سلطانی)*، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، انتشارات علمی، تهران.
۹. حشری تبریزی، محمدامین (۱۳۷۱)، *روضه اطهار*، به تصحیح عزیز دولت آبادی، انتشارات ستوده، تبریز.
۱۰. دیباج، اسماعیل (۱۳۳۴)، *راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی*، چاپخانه شفق، تبریز.
۱۱. کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۳)، «بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری نمونه‌یی از بناهای عصر صفوی»، *مجله یغما*، شماره سیصد و هشتم.
۱۲. کیانی، محسن (۱۳۶۹)، *تاریخ خانقاه در ایران*، انتشارات طهوری، تهران.
۱۳. محمدکاظم بن محمد تبریزی (۱۳۷۸)، *منظرالاولیاء؛ در مزارات تبریز و حومه*، تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
۱۴. مرتضوی، منوچهر (۱۳۳۶)، «تصوّف در دوره ایلخانیان»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، شماره چهل و دوم.
۱۵. مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹)، *نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن*، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.